

## دانش‌نامهٔ دین

«مقدس» توسط کشیشی که اجرای مراسم عشای ربانی روز یکشنبه به عهده دارد، به عنوان نمادی از غسل تعمید بر جماعت مؤمنان هنگام ورود به کلیسا پاشیده شده است.

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 469.

شهاب‌الدین وحیدی

### Purim **پوریم (عید قرعه‌ها)**

عید قرعه‌ها، جشنی یهودی به یاد نجات یهودیان که (قرن پنجم ق.م) فرمانروایان ایرانی آنها دستور مرگ آنها را صادر کرده بودند. این داستان در کتاب استر از عهد قدیم ذکر شده است.

هامان، وزیر اعظم خشایارشا، به دلیل کینهٔ شخصی که با مُردخای

### Holy Water

### آب مقدس

در مسیحیت شرقی و در کلیساهای کاتولیک رومی آبی را گویند که متبرک شده است و برای انتقال برکت به کلیساها، خانه‌ها، اشخاص و اشیاء استفاده می‌شود.

در جامعه مسیحی اولیه آب «جاری» رودخانه‌ها و نهرها برای تعمید ترجیح داده می‌شد و ظاهراً، متبرک کردن آن انجام نمی‌گرفت از قرن چهارم آب‌های راکد حوضچه‌ها و استخرهای مخصوص تعمید به وسیله نشان صلیب مطهر و متبرک می‌شد و آب‌های دیگری برای استفادهٔ مؤمنان به عنوان وسیلهٔ دورکننده ارواح ناپاک، حفظ‌کننده در برابر بیماری و ناراحتی متبرک می‌شد. سال‌هاست که، این آب متبرک یا

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 891.

محمدابراهیم علی‌زاده

## Holy War

## جنگ مقدس

هر جنگی که به فرمان الاهی یا به خاطر هدفی مقدس روی می‌دهد، جنگ مقدس است. مفهوم جنگ مقدس در کتاب مقدس (مثلاً در کتاب یوشع) یافت می‌شود و در بسیاری از ادیان همین نقش را دارد (هم‌چنین نگاه کنید به مدخل جهاد).

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 469.

شهاب‌الدین وحیدی

## خانقاه

تصوف و عرفان اسلامی دارای ابعاد متعددی است که یکی از آنها، جهت تربیتی و پرورشی تصوف است. عارفان مسلمان برای تربیت جان‌ها و وصول آنها به اعلا ذروه حقیقت و عرفان یعنی توحید از طریق تعلیم مبانی شریعت و اصول طریقت، مکان‌های خاصی را بنا کردند. خانقاه توسط مشایخ عرفان یا به وسیله افراد نیکوکار و خیر ساخته می‌شد تا سالکان و اهل‌الله در آنجا به ریاضت و مراقبت و اخذ مبانی تصوف از

یهودی داشت مقدمات اعدام یهودیان را فراهم کرد. هامان به وسیله قرعه‌انداختن روز ۱۳ ماه ادار را برای اعدام یهودیان انتخاب کرد. استر، ملکه یهودی خشیار شاه، که فرزندخوانده مردخای هم بود، پادشاه را مجاب کرد تا هامان را به دار بیاویزد و مردخای را به عنوان وزیر اعظم خود برگزیند. پادشاه طی فرمانی به یهودیان اجازه داد تا در سراسر امپراتوری در روز ۱۳ ماه ادار به دشمنانشان حمله کنند. آنها پس از پیروزی آن روز را عید مقدس پوریم اعلام کردند (اشاره به قرعه‌هایی که هامان انداخت). برگزاری آیین پوریم با یک روز روزه گرفتن جلوتر از روز عید واقعی آغاز می‌شود. این روزه که به آن تعنیت استر یا روزه استر گفته می‌شود، در روز سیزدهم ماه ادار است. مراسم کنیسه شامل خواندن قسمت‌هایی از کتاب استر می‌شود. یهودیان با هدیه دادن به همدیگر و بخشش به فقرا در این روز به شادی می‌پردازند. بسیاری از رسوم غیر دینی به تدریج به این جشن وارد شد؛ از جمله، نمایش‌های پوریم که در طی قرن هفدهم رواج یافت و پختن نان شیرینی مخصوص سه‌گوش که هامان تاشن یا گوش هامان نامیده می‌شد.

حدیث و تفسیر و کلمات مشایخ  
بپردازند. نوع دیگر از ابنیه مخصوص  
صوفیان واحدهای کوچک‌تر از خانقاه به  
نام‌های دُوبره، رباط، تکیه، صومعه،  
حظیره و درگاه است که در مناطق  
مختلف به این نام‌ها شناخته می‌شود.

یکی دیگر از دلایل ساخت خانقاه  
این بوده که درویشان بی‌مسکن، خاصه  
فقرای صوفیه در راستای سیر آفاقی و  
ملاقات مشایخ عرفان در مناطق  
مختلف، به هر شهری که وارد می‌شوند،  
از جای و منزل و خوراکی لازم بی‌بهره  
نمانند و از این روی، در عمارت  
خانقاه‌های مخروبه قدیم آیهٔ کریمهٔ «و  
یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و  
یتیماً و اسیراً انما نطعمکم لوجه الله  
لا یزید منکم جزاءً و لا شکوراً» (دهر ۷-۸)  
را در حکم شعار اصلی خانقاه بر  
دیوارهای آنها کتیبه نموده‌اند.

در مورد نخستین خانقاه در میان  
محققان دو دیدگاه وجود دارد: گروهی به  
تبعیت از بیان خواجه عبدالله انصاری  
(۴۸۱ق) آن را در رملهٔ فلسطین دانسته،  
بنای آن را به امیری ترسا در پایان قرن  
دوم نسبت می‌دهند (بنگرید انصاری،  
طبقات الصوفیه، ص ۹-۱۰؛ چاپ کابل،  
۱۳۴۱ش؛ جامی، نفحات الانس،  
ص ۲-۳؛ زین العابدین شیروانی،

حدائق السیاحه، ص ۲۵۸؛ نائب‌الصدر  
شیرازی، طرائق الحقایق، ص ۱۵۱)،  
عده‌ای دیگر نظیر ابن تیمیه (۷۲۸ق)  
آن را در ناحیه عبّادان و شهر بصره  
دانسته، و برای تأسیس آن تاریخی در  
حدود سال‌های ۱۵۰ق را بیان کرده‌اند  
(بنگرید: سراج طوسی، اللمع، ص ۴۲۹؛  
مقدسی، التقاسیم، ص ۱۱۸؛ یاقوت،  
المعجم، ج ۳، ص ۵۹۸، به نقل از: کیانی،  
تاریخ خانقاه در ایران، ص ۱۴۰، تهران،  
۱۳۸۰ش). بنابر نظر عزالدین محمود  
کاشانی، بنای خانقاه و اختصاص  
آن برای سکونت و اجتماع صوفیان  
رسمی محدث و از جمله مستحسنان  
صوفیه است (عزالدین کاشانی،  
مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، ص ۱۵۳،  
تهران، ۱۳۷۵ش).

بسیاری از صوفیان از جمله  
شهاب‌الدین سهروردی و عزالدین  
کاشانی و ابوالمفاخر یحیی باخرزی،  
خانقاه را جایی همانند صقه رسول  
اکرم (ص) می‌دانند؛ زیرا صقه مقامی بود  
در مدینه برای سکونت و اجتماع فقرای  
اصحاب رسول اکرم (ص) و هر کس  
مسکن نداشت یا از شهری دیگر به  
مدینه آمده بود و آشنایی جهت سکونت  
نداشت، در آنجا اقامت می‌نمود.  
بنابراین، تأسیس خانقاه تقلیدی از

سنت نبوی است (بنگرید: سهروردی، عوارف المعارف، ص ۲-۵۰، تهران، ۱۳۸۴ش؛ کاشانی، همان، ص ۱۵۳؛ یحیی باخرزی، اوراد الاحباب و فصوص الآداب، ج ۲، ص ۱۶۷، تهران، ۱۳۸۳ش). کاشانی برای تأسیس خانقاه فوایدی را ذکر می‌کند: یکی محل نزول طایفه فقرا که مسکن ندارند؛ دوم اجتماع صوفیه و محبت و دوستی بیشتر میان آنها و سوم اطلاع بر احوال همدیگر و یادآوری عیوب و لغزش‌های یکدیگر و کوشش برای رفع عیوب و اصلاح دوستان (کاشانی، همان، ص ۵-۱۵۴).

در کتب صوفیه آداب و رسوم خاصی برای ورود به خانقاه و زندگی در آن و مسافران به خانقاه بیان کرده‌اند (بنگرید: هجویری، کشف المحجوب، ص ۲-۴۵۱، تهران، ۱۳۸۰ش؛ عزالدین کاشانی، مصباح الهدایه، ص ۱۵۵-۱۶۰؛ یحیی باخرزی، اوراد الاحباب و فصوص الآداب، ج ۲، ص ۱۶۷-۱۷۹؛ عزالدین نسفی، الانسان الكامل، ص ۱۶۹-۱۷۰، تهران، ۱۳۸۴ش). در هر خانقاه، خانه‌ای برای قطب و مرشد و محلی برای عبادت وجود داشت؛ جایی نیز به مجلس وعظ و اجتماع اختصاص یافته بود که به آن جماعت‌خانه می‌گفتند که مجالس سماع نیز در آن برپا می‌شد. خانقاه به نام

قطب و مرشد (مانند خانقاه سری سقطی و صومعه بایزید بسطامی) یا به نام محل و ناحیه نامیده می‌شد و گاه هم خانقاه نام مخصوص به خود می‌گرفت که مناسب با وضع خاص آن بود؛ مثلاً خانقاه رکن الدین سجاسی را در بغداد «درجه» می‌گفتند که کنار دجله بود و چند پایه تا آب دجله فاصله داشت (مناقب اوحد الدین کرمانی، ص ۱۶، تهران، ۱۳۴۷ش). عواید خانقاه‌ها، نذورات و هدایا و اوقاف نیکوکاران و هم‌چنین از صدقات و فتوح (هدایا و کمک‌های داوطلبانه مردم) بود. شیخ و مرشد بر اعمال قلبی و قالبی مریدان و سالکان نظارت داشت و آنان را با تلقینات خاص و شیوه مخصوص تربیت می‌کرد. خود شیخ نیز به همراه خانواده خود در گوشه‌ای از مجموعه خانقاه زندگی می‌کرد و مکان ویژه‌ای نیز برای مراقبت و ریاضت به وی اختصاص داشت. لازم به ذکر است که انجام ریاضات و مراقبت‌های باطنی منحصر در خانقاه نبوده و به تعبیر دیگر، خانقاه از لوازم حتمی و ضروری تصوف و عرفان اسلامی نمی‌باشد، اما در خانقاه، سالک تحت اشراف روحی و نظارت مستقیم شیخ و مرشد قرار داشت که همین اهمیت ویژه‌ای در تربیت عرفانی داشت.

خانقاه و حلقه زدن مریدان حول شیخ خود در مکان‌های خاص، یکی از عوامل مؤثر در هویت اجتماعی پیداکردن تصوف اسلامی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است که به پیدایش و شکل‌گیری سلسله‌های تصوف انجامید.

مرتضی کربلایی

### خرقه

خرقه: اصطلاحی مهم در تصوف و عرفان اسلامی است. عارفان لباسی را خرقه می‌نامند که پیر طریقت بر تن مریدی که تحت ولایت او داخل شده، می‌پوشاند (کاشانی، اصطلاحات الصوفیه، ذیل خرقه التصوف؛ همو، لطائف الاعلام فی اشارات اهل الالهام، ذیل خرقه التصوف). کلمات دلق، ملمع، مرقع و یشمینه همه به معنای خرقه است که به صفات آن اشاره دارد. پوشاندن خرقه از جمله آداب و رسوم صوفیان در تغییر لباس معهود است که مشایخ عرفان در ابتدای تصرف ولایی باطنی در احوال مریدان آن را مستحسن داشته‌اند (عزالدین محمود کاشانی، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایه، تهران، ۱۳۷۲ش، ص ۱۴۷). چون آتش درد طلب در جان طالب صادق افروخته شد باید به حسن

ظن و عقیده تمام شیخ راه را طلب نماید. وقتی شیخ کامل مکمل را بیابد، باید تسلیم فرمان و تصرفات او شود. بیعت با شیخ را همان بیعتی داند که اصحاب با رسول الله(ص) [و ائمه اطهار(ع)] نمودند. هنگامی که شیخ با فراست باطنی و دیده بصیرت ببیند که مرید منقاد شده، خرقه می‌پوشاند. در خرقه معنای بیعت، پنهان است. خرقه مقدمه صحبت است که مرید به واسطهٔ صحبت نجات می‌یابد (عزالدین محمود کاشانی، همان، ص ۴۰).

رسم پوشیدن خرقه و خرقه‌دادن پیر به مرید به عنوان نماد انتقال آموزه‌ها و میراث معنوی همراه با ولایت و تشرف به فقر و سلوک است که به عنوان یک سنت عرفانی پیش رفته تا به امیرالمؤمنین علی(ع) و پیامبر اکرم(ص) می‌رسد. تمام سلسله‌های صوفیه (شیعه و سنی) در این انتساب و اسناد باطنی اشتراک دارند. پیر با رابطه‌ای که از طریق سلسله عرفانی با پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) و اولاد ایشان(ع) به عنوان خاتم اولیاء دارد؛ مرید سالک را از قیودات مادی رهایی بخشیده، و به حیات توحیدی واصل می‌گرداند. صوفیان رسم پوشیدن خرقه را از حدیث ام‌خالد و حدیث

(ابن ابی جمهور احسائی، المجلی، ص ۳۷۹ به بعد).

به لحاظ سابقه تاریخی اولین کسی که خرقه اصطلاحی صوفیه را در بر کرد، شبلی است و او اول کسی است که به مرید و شاگردش ابوالفضل عبدالواحد تمیمی خرقه پوشانید. می دانیم که شبلی مرید جنید و او مرید سزى سقطی است که بنابر نظر صوفیان، سلسله اسناد خرقه اش به امام هشتم (ع) تا امیرالمؤمنین (ع) می رسد (شیبی، الصلة بین التصوف و الشیع، ص ۴۲۶) و همین پیوستن خرقه سلاسل تصوف به حضرت علی (ع) باعث شده که جمعی از محققان اساس تصوف را تشیع بدانند (مقدمه ابن خلدون ص ۳۲۳؛ شیبی، الصلة بین التصوف و الشیع، ص ۴۲۶ به بعد).

صوفیان برای خرقه فوایدی شمرده اند؛ از جمله: ۱. تغییر عادت و فطام از مألوفات طبیعی و حظوظ نفسانی؛ ۲. دفع مجالست همراهان سوء؛ ۳. اظهار تصرف شیخ در باطن مرید؛ ۴. بشارت مرید است به قبول حق تعالی او را (عزالدین کاشانی، مصباح الهدایة، ص ۱۴۸-۹؛ کاشانی، اصطلاحات الصوفیه و لطائف الاعلام فی اشارات اهل الالهام، ذیل خرقه التصوف)

مشهور کساء و نیز روایتی اقتباس نموده اند که اشاره ای دارد به واقعه ای در شب معراج پیامبر اکرم (ص). (در مورد حدیث ام خالد سهروردی، ترجمه عوارف المعارف، تهران، ۱۳۸۴ ش، ص ۴۱؛ و نیز کاشانی، مصباح الهدایة، ص ۱۴۷. برای اطلاع از روایت اخیر ابن ابی جمهور احسائی، عوالی الآلی، قم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱-۱۳۰؛ همو، المجلی، تهران، ۱۳۲۹ ش، ص ۳۷۹؛ سید حیدر آملی، مقدمه نص النصوص، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۹۳-۴؛ همو، تفسیر المحيط الاعظم، ج ۱، ص ۵۱۸).

کاشانی امکان تمسک به حدیث ام خالد را برای تصحیح پوشیدن خرقه به شیوه متصوفه بعید می داند اما به جهت این که متضمن فوایدی است و مزاحم سنتی نبوده مختار صوفیه و مستحسن است (عزالدین کاشانی، همان، ص ۱۴۸). ابن ابی جمهور قائل است که صوفیان خرقه ای که از طریق انتقال، دریافت کرده و می پوشند، به ردای حدیث کساء ارتباطی ندارد بلکه صوفیان با دریافت و پوشیدن خرقه به اوصافی که پیامبر (ص) پوشانید، تأسی می کنند و با این عمل به قدر استعداد خود می خواهند به اسرار الاهی آگاهی یابند که خرقه نماد آن است

آن قیدی داشته‌اند و خرقه کبود و ازرق پوشی از اواخر قرن چهارم یا اوائل قرن پنجم به بعد در میان صوفیه متداول شده است.

از سخنان ابن عربی چنین بر می‌آید که وی به لباس خرقه در ابتدا قائل نبوده و خرقه را عبارت از صحبت و ادب و تخلّق می‌دانسته است؛ زیرا عقیده داشته که لباس خرقه متصل به رسول الله (ص) پیدا نمی‌شود در صورتی که صحبت و ادب، که از آن به لباس تقوا تعبیر شده، در اختیار است. اما وقتی از دست علی بن عبدالله بن جامع و نیز تقی‌الدین عبدالرحمن آب التّوّزی خرقه خضر پوشیده و فهمیده است که خضر آن را معتبر می‌داند، به اعتبار خرقه قائل شده و خود وی نیز آن را به دیگران پوشانیده است (فتوحات مکیه، ج ۱، باب ۲۵، ص ۷-۱۸۶). شعرانی در کبریت الاحمر آورده است که ابن عربی گفته است من به لباس خرقه‌ای که صوفیه قائلند، قائل نبودم تا این که آن را در برابر کعبه از دست خضر پوشیدم (شعرانی، الکبریت الاحمر، ص ۱۴؛ حاشیه الیواقیت و الجواهر، مصر ۱۳۴۳ق، ج ۱، ص ۱۴).

سید حیدر آملی در مورد خرقه، تحلیلی غیر از دیگران ارائه می‌نماید.

صوفیان خرقه را به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند؛ سید حیدر آملی خرقه را به دو گونه صوری و معنوی تقسیم کرده است (آملی، مقدمه نص النصوص، تهران، ۱۳۷۵ش، ص ۱۹۲-۴) و فرغانی و عزالدین کاشانی آن را به دو نوع خرقه ارادت و خرقه تبرک تقسیم کرده‌اند. (فرغانی، مناهج العباد الی المعاد، منقول در نفحات الانس جامی، ص ۵۵۸؛ کاشانی، مصباح الهدایة، ص ۱۵۰) شیخ نورالدین آذری طوسی هم انواع خرقه را به پنج نوع خرقه توبه، خرقه اراده، خرقه تبرک، خرقه تصرف و خرقه ایمان تقسیم می‌کند (آذری طوسی، جواهر الاسرار، چاپ سنگی، ۱۳۵۳ق، ص ۲۸۲).

صوفیه برای خرقه رنگ‌های متعددی بر شمرده‌اند؛ از قبیل سپید، سیاه، ازرق، کبود. اختیار رنگ‌ها و هیأت لباس مرید را به نظر شیخ و مصلحت وی می‌دانند (ابوالمفاخر یحیی با خرزوی، اوارد الاحباب و فصوص الآداب، تهران، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۳۴-۴۲؛ عزالدین کاشانی، مصباح الهدایة، ص ۱۵۱-۳).

تا آنجا که از آثار متقدمان به دست می‌آید، مشایخ اولیه چندان مقید به خرقه و رنگ و نوع آن نبوده‌اند و اغلب لباس پشمین یا غیرپشمین اما خشن می‌پوشیدند و در کیفیت دوخت و رنگ

بنا بر دیدگاه سید حیدر، خرقة نزد عوام صوفیه عبارت است از لباس پشمین یا غیر آن که حضرت آدم به اذن الله و امر حضرت حق از دست جبرئیل پوشید و آن لباس از آدم (ع) به شیث (ع) به سبب ارث صوری رسید و از شیث به اولادش و از آنها به نوح (ع) و از اولاد نوح به ابراهیم (ع) و از ایشان به حضرت محمد (ص) و از محمد (ص) به حضرت علی (ع) و از علی (ع) به اولاد ایشان (ع) و سپس به شاگردان خاص ائمه اطهار (ع) رسیده است. به عقیده سید حیدر، خرقة به این معنا صحیح و معقول نیست. اما خرقة نزد خواص صوفیه همان سَرّ ولایت است که بالأصالة از آن پیامبر اکرم (ص) است به استشهاد «کنت نبیاً و آدم بین الماء و الطین» و این سَرّ بالعاریة به حضرت آدم (ع) منتقل شده و از آدم به حضرت شیث (ع) به واسطه ارث حقیقی معنوی منتقل شده و از شیث به ترتیب مذکور به حضرت محمد (ص) و بعد حضرت علی (ع) و اولاد ایشان و سپس شاگردان ایشان منتقل کرده و این سَرّ ولایت تا روز قیامت به اوصیای باطنی و اولاد معنوی این بزرگواران منتقل می شود. (سید حیدر آملی، جامع الاسرار و منبع الانوار، تهران، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۲۹-۲۳۱).

برای اطلاع تفصیلی در مورد خرقة بنگرید:

هجویری، کشف المحجوب، ص ۷۸-۶۱، تهران، ۱۳۸۳ ش - سراج طوسی، اللع، ص ۳-۱۷۲، بیروت، ۱۴۲۱ اق - ابوالمفاخر یحیی باخرزی، اوراد الاحباب و فصوص الآداب، ج ۲، ص ۲۳-۴۲، تهران، ۱۳۸۳ ش - عزالدین محمود کاشانی، مصباح الهدایة و مفتاح الکفاية، ص ۱۵۳-۱۴۷، تهران، ۱۳۷۲ ش - شهاب الدین سهروردی، عوارف المعارف، ص ۷۷-۸۱؛ مطبوع در ملحقات احیاء علوم الدین، بی تا - سید حیدر آملی، نص النصوص در شرح فصوص الحکم، ترجمه محمدرضا جوزی، ص ۱۸۸-۲۰۰، تهران، ۱۳۷۵ ش - همو، جامع الاسرار و منبع الانوار، ص ۲۲۹-۲۳۱ و ۴۰۱، تهران، ۱۳۸۴ ش - زین العابدین شیروانی، بستان السیاحة، ص ۳۴۵، کتابخانه سنایی - همو، ریاض السیاحة، ص ۳۳۳-۳۴۴، انتشارات سعدی - محمد معصوم شیرازی، طرائق الحقائق، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۰۶ - محمدعلی مؤذن خراسانی، تحفه عباسی، ص ۱۶۸-۱۹۲، تهران، ۱۳۸۱ ش.

مرتضی کربلایی

## روح القدس Holy Spirit

روح القدس: هم‌چنین واسطه<sup>۱</sup> یا روح مقدس (مفهوم روح در این ترجمه ریشه



این تعریف که روح القدس اقنومی الهی است که از نظر ماهیت با پدر و پسر برابر است و فروتر آنها نیست، در شورای قسطنطنیه به سال ۳۸۱م. مطرح شد و بحث‌هایی را دربارهٔ الوهیت آن در پی داشت. کلیسای غربی از آن زمان تا کنون به روح القدس به عنوان همراه، هم‌نشین و یا محبتی دو سویه میان پدر و پسر نگریسته که آنها در این روح به طور کامل متحدند. در غرب رابطهٔ روح القدس با دیگر شخصیت‌های اقانیم به این صورت توصیف شده که هم از پدر و هم از پسر منبث می‌شوند، در حالی که در شرق اعتقاد بر این است که صدور از پدر و به واسطهٔ پسر صورت گرفته است. از عصر رسولان عبارتی که در هنگام تعمید بیان می‌شد، تثلیثی بوده است. «تأیید» (در کلیسای ارتدوکس شرق، تدهین) اگرچه از سوی بسیاری از پروتستان‌ها به عنوان یکی از آئین‌های دینی مقدس پذیرفته نشد، اما همیشه ارتباط تنگاتنگی با به نقش روح القدس در کلیسا داشته است. کلیسای ارتدوکس شرقی بر نقش نزول روح القدس بر جماعت نمازگزاران و بر نان و شراب متبرک در دعایی که قبل از عشای ربانی خوانده می‌شود، تأکید می‌کند.

در انگلیسی باستان دارد.<sup>۱</sup> خوانده می‌شود. در اعتقاد مسیحی سومین اقنوم از اقانیم است. اناجیل نزول روح القدس بر عیسی مسیح در جریان تعمیدش را ذکر کرده‌اند و تجلیات بی‌شمار روح در اعمال رسولان ذکر شده است. شفا دادن، پیش‌بینی، دور کردن شیاطین (جن‌گیری) و صحبت کردن به زبان‌ها به طور خاص با فعالیت روح مرتبط است. در آثار مختلف نویسندگان مسیحی اشارات متنوعی که در عهد عتیق از روح یهوه یاد می‌کنند نمونه‌های اولیهٔ آموزه‌های روح القدس دانسته شده است. کلمهٔ عبری روئح (که معمولاً به روح ترجمه می‌شود) در متون مقدس واژه پیامبری یا انتظار مسیحایی (خصوصاً در رابطه با انتظار مسیحیان و گفتار و کلام نبوتی)، اغلب به فعالیت آزادانه و بی‌قید و بند خدا، چه در خلق و چه در اعاده خلق بر می‌گردد. گرچه بر طبق کتاب مقدس یهودی هیچ اعتقاد صریحی به اقنوم جداگانه‌ای وجود نداشت، و حقیقتاً عهد جدید، خود نیز در این مورد به طور کامل روشن نیست و صرفاً اشاره‌ای ضمنی از چنین اعتقادی دارد. امید به یاری‌دهنده یا میانجی دیگر است که در انجیل یوحنا یافت می‌شود.

این وحی در بین سال‌های ۱۰م (سالی که پیامبر دعوت خود را آغاز کرد) و ۶۳۲م (سال وفاتش) صورت گرفته است. قرآن شامل ۱۱۴ سوره است. حجم کامل آن معادل دو سوم عهد جدید است. واژه عربی قرآن به احتمال زیاد به معنای چیزی است که با صدای بلند خوانده می‌شود. اولین سوره‌ای که به حضرت محمد(ص) نازل شد با فرمان: «بخوان به نام پروردگارت که خلق کرد»، آغاز می‌شود. در زبان عربی فعل امر آغازین «اقرأ عناصری آوایی شبیه لفظ قرآن را در بر دارد. سوره‌ها نامگذاری شده‌اند. نام بعضی سوره‌های قرآن برای خواننده کتاب مقدس آشنا است. مانند یونس (۱۰)، یوسف (۱۲)، ابراهیم (۱۴)، مریم (۱۹)، انبیاء (۲۱) و قیامت (۲۵)؛ اما سوره‌های دیگر با نام‌های موجود در کتاب مقدس مانوس نیست مثل بقره (۲)، حج (۲۲)، قلم (۶۸) و فجر (۸۹). برخی دیگر از سوره‌ها با تلفیق حروفی که دارای معنای مشخصی است، ولی برای ما ناشناخته است، آغاز می‌شود. [در مصاحف قرآنی] در ابتدای هر سوره، علاوه بر نام آن به نام محلی که در آن نازل شده است - مکه یا مدینه - اشاره شده است. زبان سوره‌های مکی برای جمع کردن انسان‌های بی‌دین و

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 469.

شهاب‌الدین وحیدی

## قرآن و کتاب مقدس

### The Qu'ran and the Bible

این باور که خدا از طریق کتب مقدسی که الهام کرده [با مردم] سخن می‌گوید بین یهودیان، مسیحیان و مسلمانان یک باور مشترک است. به رغم اختلافات عمده بین آنان، این سه جامعه توحیدی ادعای برخوردار از امتیاز مشترکی دارند که آنها را به عنوان «اهل کتاب» به هم پیوند می‌زند. هر یک از این جوامع خود را واجد سندی مکتوب از اراده خدا می‌داند که در لحظه‌های بحرانی تاریخ نازل شده و برای راهنمایی نسل‌های آینده ضبط شده و پیوسته در افعال شخصی و یادمان مشترک دوباره تفسیر می‌شود. هر جامعه بر اساس پاسخ مؤمنانه به سخنی که دریافت کرده، بنا شده است؛ مانند [حضرت] ابراهیم که به مثابه نمونه‌ای از اطاعت دعوت الهی تلقی شده است.

قرآن کتاب مقدس اسلام است. مسلمانان معتقدند که قرآن به وسیله جبرئیل - فرشته خدا - از جانب خدا به [حضرت] محمد[ص] نازل شده است.

هجری می‌شناسند.

بر خلاف کتاب مقدس [یهودی و مسیحی] که پس از قرن‌ها و در اثر تلاش افراد متفاوت و اغلب ناشناس و بر اثر عمل رهایی‌بخش خدا پدیدار شد، قرآن تنها پس از گذشت یک دهه بعد از وفات پیامبر (ص) از سنت شفاهی به صورت مکتوب درآمد. آیات وحی توسط محمد (ص) به صورت شفاهی به مردم منتقل می‌شد، و کسانی که می‌شنیدند، آیات را بر روی هر چیزی که به دستشان می‌رسید می‌نوشتند؛ چیزهایی مثل پوست خشک درختان، استخوان‌های حیوانات که در آفتاب سفید شده بود و سنگ‌ها.

این نوشته‌ها در نهایت در دوره خلافت عثمان (۶۴۴-۶۵۶م) (سومین خلیفه پیامبر) گردآوری شد و سرانجام متن مکتوب معتبر قرآن را پدید آورد. مجوز هیچ‌گونه حذف و اضافه‌ای در قرآن توسط اولیای مسلمین داده نشد؛ اگر چه پژوهشگران غربی مجموعهٔ متنوعی از تفاوت‌های متنی در نسخه‌های دستنویس را گرد آورده‌اند. بعد از اولین سوره کوتاه، که مقدمه‌ای در ستایش خدای آفریدگار و هدایت‌کننده است و گاه آن را شبیه دعای مسیحی «ستایش خداوند» دانسته‌اند، سوره‌های

کافر مناسب است تا اسلام را با انتخابی سریع بپذیرند. در روز آخرت کفار در ازای کفرشان عقوبت خواهند شد و به جهنم افکنده خواهند شد. مکانی که به وضوح توصیف شده، از طرف دیگر پاداش مؤمنان در روز جزا زندگی در بهشت خواهد بود، مکانی که سرشار از شور و حیات توصیف شده است. سوره‌های مدنی طولانی‌تر است و عمدتاً به نظام و سازمان دادن زندگی در جامعه نوپای مسلمانان می‌پردازد.

در سال ۶۲۲ میلادی محمد (ص) به همراه گروه کوچک مسلمانان نوآیین به خاطر آزار و شکنجه‌های بی‌دینان مجبور به ترک مکه شدند. آنها به سمت یثرب حرکت کردند و حدود ۴۶۵ کیلومتر (۲۹۰ مایل) به سمت شمال شرق راه پیمودند. [شهر یثرب] به خاطر ورود محمد (ص) به مدینه النبی (شهر پیامبر) تغییر نام داد. مدینه، نامی که هنوز به آن نام شناخته می‌شود، شهری است که محمد (ص) در آن از دنیا رفت و به خاک سپرده شد. سال ۶۲۲ میلادی سالی است که زندگانی محمد (ص) را به دو دوره مکی و مدنی تقسیم می‌کند. همچنین این سال، آغاز یک دوره جدید و ابتدای تقویم اسلامی به حساب می‌آید، تقویمی که اغلب آن را به تاریخ

فهمیدن خود عهد جدید باشد به خاطر نقشی است که مسیحیان محلی برای [حضرت] مریم به عنوان مادر به معنایی خاص قائل بودند.

مسلمانان با به کارگیری نقد تاریخی در مطالعات قرآنی مخالف بوده‌اند. قرآن برای آنها راهنمای مطمئن به باور، فکر و عمل صحیح است. هدایتی که قرآن فراهم می‌کند با هدایتی که علم تعیین می‌کند و راهنمایی‌ای که دربارهٔ روش کسب علم است کامل می‌شود. علم عبارت از آن چیزهایی است که خدا وحی کرده است. راه رسیدن به علم و معرفت تسلیم بودن در برابر خواسته‌های الهام‌شده خداست. دقیقاً به خاطر چیزهایی که خدا وحی کرده است، محدودیت‌هایی برای تعمق و نظریه‌پردازی بشر وجود دارد. عقل، اراده و خرد همه باید توسط وحی آموزش داده شوند. در اسلام مطالعهٔ قرآن طبق روش‌های گسترش یافته در جامعهٔ غیر مسلمان، ترغیب نشده است. بحث بر سر اینکه آیا قرآن کلام خداست یا نه، به سنت فکری متفاوتی متعلق است.

طبق باورهای اسلامی، هر کتاب مقدسی توسط خدا در زمان و مکان مناسبی به واسطه پیامبری به بشر نازل

دیگر به ترتیب کاهش حجم در پی هم می‌آیند. اولین سوره‌ای که نازل شد در ترتیب نهایی در ردهٔ ۹۶ قرار گرفته است. هم یهودیان و هم مسیحیان در قسمت‌هایی از عربستان پیشین حضور داشتند. محمد(ص) در مکه و مدینه (و نیز در سفرهای خود به شمال و جنوب در مسیر کاروان‌های قدیمی) با برخی از مسیحیان و یهودیان ارتباط‌هایی داشته است، اما مستندات و شواهد درونی قرآن برای تأیید این نظر که محمد دانش مستقیمی از کتب مقدس داشته باشد وجود ندارد. بر اساس روایات اسلامی، او به هیچ وجه قادر به خواندن و نوشتن نبود، این که یک انسان بی‌سواد بتواند وحی الهی را دریافت کند و بخواند، به عنوان نشانه‌ای خاص از معجزات الهی یا رحمت الهی در بین مسلمانان پذیرفته شده است.

شباهت‌های بین مطالب قرآنی و کتاب مقدس حاکی از این است که، حتی اگر قرآن اقتباس مستقیمی از کتاب مقدس داشته باشد، کاملاً گزینشی بوده است. به عنوان مثال، از پیامبران بزرگی چون عاموس و ارمیا در قرآن اثری نیست و تفسیر قرآن از تثلیث مسیحیت راست‌کیش به مثابه اعتقاد به پدر، پسر و مریم باکره بیش از آن که به خاطر بد

مطرح شده است. خواننده با یک خدای حقیقی مواجه می‌شود که خدای دیگری در کنار او نیست. در این متون مقدس متعدد، اراده و طرح الاهی برای بشر، طاعات و عبادتی که خدا از مخلوقاتش انتظار دارد، راه نجات، و مجازات دوری خودکرده از خدا وحی شده است.

نام‌ها و وقایع دیگری هم در قرآن و هم در کتاب مقدس ضبط شده است. در اینجا برای شروع به دو مثال برای مطالعه بیشتر اشاره می‌کنیم. اولین داستان، داستان یوسف در سفر خروج (۳۷-۵۰) است. این داستان با داستان یوسف که از لطیفترین داستان‌های قرآن است و در سوره دوازدهم قرآن آمده، مقایسه می‌شود. به قدرت رسیدن یوسف و حاکمیت در مصر بعد از رفتار وحشیانه برادرانش با وی، وفاداری او به خدا در دوران رنج، مراقبتش در استفاده از هدایایی که خدا به او داده بود، و وفاداری به خانواده‌اش بعد از درخواست آنان برای غذا در دوران قحطی در هر دو گزارش مشترک است. در گزارش قرآن، یوسف به شکوه و عظمت رسید، به دلیل اینکه هم در زمان مصیبت و هم در زمان موفقیت در برابر آنچه خدا برایش خواسته بود کاملاً تسلیم بود. تسلیم بودن یوسف در برابر

شده است. در اصل، پیام تمام متون مقدس نازل شده شبیه به هم است و در غیر این صورت، نمی‌تواند کتابی از جانب خود خدا باشد. بدین‌سان هرگونه اختلاف بین متون مقدس اهل کتاب به تحریف‌های بشر نسبت داده شده نه به میل و خواست الاهی. تورات به موسی و قومش داده شد، زبور به داوود و قومش داده شد، انجیل به عیسی و قومش و در نهایت قرآن بر محمد[ص] نازل شد، قرآنی که بازگوکنندهٔ اهداف ابدی و ثابت خداست که همهٔ پیامبران بر آن شهادت دادند. مسلمانان معتقدند که قرآن کلام معتبر و نهایی خداست که یک پیام مهم و ویژه برای ملت پیامبر دارد و البته یک پیام جهانی هم برای بشر.

عنوان «اهل کتاب» اگر از منظر غیراسلامی دیده شود، همان قدر که یادآور تفاوت‌های موجود میان یهودیان، مسیحیان و مسلمانان است، یادآور شباهت‌های میان آنان در برداشتشان از عناصر سازندهٔ متن مقدس است. هنوز به رغم همهٔ تفاوت‌ها، نقاط مشترکی بین قرآن و کتاب مقدس وجود دارند، مثل اشارات به یکتاپرستی و به ابراهیم، موسی، داوود و عیسی. در کتاب مقدس و در قرآن، موضوع آفرینندگی و بازآفرینی خدا

است؛ (به این سخنان) پایان دهید، که برای شما بهتر است؛ [چرا] که خدا، فقط معبودی یگانه است؛ او منزه است از اینکه برایش فرزندی باشد؛ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آن اوست؛ و کارسازی خدا کافی است».

*Oxford Dictionary of the Bible*, p.836.

محمدابراهیم علی‌زاده

### کاهن اعظم Kohen gadol

در یهودیت، رئیس امور مذهبی در معبد اورشلیم را گویند که امتیاز ورود به قدس الاقداس (محراب مقدس) تنها به وی تعلق داشت. او سالی یک بار در روز یوم کبیور به منظور سوزاندن بخور و پاشیدن خون حیوانات قربانی شده به آنجا داخل می‌شد و با این کار گناهان خود و گناهان قوم اسرائیل را کفاره می‌داد و جبران می‌نمود (لاویان ۱۶). روی هم رفته کاهن اعظم نظارت امور مالی و اجرایی معبد را به عهده داشت و در اوایل دوره معبد دوم با داشتن زعامت سیاسی که از سوی قوم به رسمیت شناخته شده بود، عهده‌دار جمع‌آوری مالیات شد و نظم امور را نیز به دست گرفت. کاهن اعظم نمی‌توانست برای مردگان سوگواری کند زیرا نزدیکی به مردگان موجب آلودگی خود او می‌شد و

اراده خدا به عنوان نمونه‌ای شایسته پیروی برای نسل‌های مسلمانان الگوی خوبی بوده است.

داستان دوم، در مورد مریم مادر عیسی است. سوره مریم، که نوزدهمین سوره قرآن است، ممکن است با انجیل متی (۱:۱۸-۲:۲۳) و انجیل لوقا (۵:۱-۵:۵) مقایسه شود. این مقایسه برای هر کسی که با عبارت‌های عهد جدید که داستان مریم در آن آمده آشنا باشد، شگفتی مضاعفی دارد. شگفتی اول اینکه گزارش قرآن تولد عیسی از باکره را تصدیق می‌کند. شگفتی دوم این است که قرآن اشارات ضمنی در مورد الاهیات تثلیثی را انکار می‌کند. در قرآن عیسی یک بشر است. پیام‌آور خداست، ولی هم‌چنان آفریده و مخلوق است. او خدای متجسد نیست. بنابراین مسیحیان با هم رتبه قراردادن خالق و مخلوق مرتکب گناه ناشایستی شده‌اند. باور مسلمانان (در سوره ۴: ۱۷۱)

این‌چنین بیان شده است: «ای اهل کتاب! در دینتان غلو مکنید و درباره خدا، جز حق مگوئید. مسیح، عیسی پسر مریم فقط فرستاده خدا، کلمه او که در مریم قرار داده شده، و روحی از جانب اوست. پس، به خدا و فرستادگانش، ایمان آورید و نگوئید: [خدا] سه‌گانه

برای پاک ماندن از آلودگی باید از مردگان پرهیز می‌کرد. او تنها می‌توانست با دختران باکره ازدواج کند. این منصب به طور معمول موروثی بود و کاهن اعظم تا پایان عمر در این منصب باقی می‌ماند. با وجود این، در قرن دوم قبل از میلاد، رشوه‌گیری به چندین انتصاب مجدد منتهی شد و آخرین کاهنان اعظم یا از طریق مقامات حکومتی منصوب می‌شدند یا با قرعه‌کشی انتخاب می‌شدند. بنابراین، ۱۸ کاهن اعظم در معبد سلیمان و ۶۰ کاهن اعظم در معبد دوم خدمت کردند؛ اما از آن زمان به بعد هیچ کاهن اعظم یهودی وجود نداشته است؛ زیرا قربانی همگانی با ویرانی معبد دوم برای همیشه از میان رفت.

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 429

زهره دلفان

### ملکوت خدا Kingdom of God

در میان اناجیل هم‌نوا، وفاق روشنی وجود دارد بر این‌که ملکوت خدا موضوع عمدهٔ پیام [حضرت] عیسی (ع) بوده است (متی ۴: ۱۷-۲۳؛ مرقس ۱: ۱۵؛ لوقا ۴: ۴۲-۴۳)؛ اگرچه هر یک به طور جداگانه از این واقعیت خبر داده است.

در مجموع، حدود پنجاه بیان و مَثَل از [حضرت] عیسی (ع) دربارهٔ ملکوت در این اناجیل آمده است. در انجیل یوحنا، [حضرت] عیسی (ع) فقط یک بار، اگرچه این نقل تکرار می‌شود، به طور صریح به ملکوت اشاره می‌کند (۳: ۳-۵). اما در این مورد، ملکوت به گونه‌ای معرفی شده که حتی نیقودیموس فریسی هم به حسب ظاهر آن را می‌فهمید؛ موضوع مورد بحث، نه ماهیت ملکوت، بلکه چگونگی ورود در آن است بنابراین، در متن مقدس بر این موضوع اتفاق هست که ملکوت [خدا]، کانون اصلی الاهیات [حضرت] عیسی (ع) است.

این مفهوم که خدا پادشاه است و به معنای دقیق کلمه بر قوم خود حکومت می‌کند، یا می‌خواهد حکومت کند، در متن مقدس بنی‌اسرائیل امری بدیهی است. در کتاب داوران و کتاب سموئیل (داوران ۸: ۲۳؛ اول سموئیل ۸: ۷-۹). برپا کردن سلطنت داودی به مثابهٔ نشانهٔ عهد الاهی نیازمند فرمان خاص، از طریق تدهین توسط پیامبر است (دوم سموئیل ۷: ۵-۱۷؛ مقایسه کنید با اول سموئیل ۱۶: ۱-۱۳). بنابراین، خانوادهٔ

بلکه متعلق آرزوست. خاتمه یافتن دوران کنونی فقط برای کسانی که از عطایای این دنیا بهره‌مندند تصوری وحشتناست؛ برای بنی‌اسرائیل، قوم برگزیده‌ای که در اثر گناه و سیطره بیگانگان، از ثمرات وعده‌الاهی محروم شده بود، پایان یافتن این دوران - و آغاز دوران دیگر - به نحو روزافزونی به امیدی عمیق تبدیل شد. اعتقاد بر این بود که فقط در آن هنگام است که صلح و صفای الاهی حکمفرما می‌شود. این امید آنان که ظاهراً فقط بر خرده‌گیری‌ها می‌افزود، به [نارضایتی از] نبود پادشاهی همچون داود، حضور رومیان و مشاجرات گیج‌کننده درباره‌ سودمندی عبادت در معبد انجامید. حاجت قوی فرجام‌شناسانه، [محصول] کارکرد دو اصل اساسی متقارن در درون ایمان بنی‌اسرائیل بود: این‌که خدا عادل است و این‌که بنی‌اسرائیل قوم برگزیده‌ خداست. قوم بنی‌اسرائیل در چارچوب تصورات خودشان نمی‌توانستند بپذیرند که اوضاع و احوال زمان آنان با هیچ یک از دو اصل مذکور سازگار نباشد. آنها تصور می‌کردند که خدا باید هم در مقام تأیید قوم خود و هم در مقام اثبات

سلطنتی داود به هیچ روی جای حاکمیت نهایی خدا را نمی‌گیرد. با وجود این [پادشاهی داود]، می‌توان معتقد بود که خدا بر همه‌ اشیاء فرمانروایی دارد (مزامیر ۱۴۵:۱۳) و در صدد فرمانروایی به نفع بنی‌اسرائیل است (اشعیاء ۷:۵۲). هم در زبان عبری و هم در زبان آرامی فعل «پادشاهی می‌کند»<sup>۱</sup> یا «حکمرانی می‌کند»<sup>۲</sup> با اسم «پادشاه»<sup>۳</sup> و «پادشاهی»<sup>۴</sup> هم خانواده است (همه از ریشه *mlk* اند)؛ علاوه بر این، اسم «پادشاهی» بیشتر به واقعیت یا قوه‌ حکمرانی اشاره دارد تا به سرزمینی که بر آن حکمرانی می‌شود. نحوه‌ بیان عهد جدید، اگرچه متمایز است، اما به لحاظ مفهومی ریشه در کتاب مقدس عبری دارد.

جهت‌گیری ناظر به آینده، که در کتاب اشعیاء ۷:۵۲ دیده می‌شود، می‌تواند شگفت‌انگیز باشد.

همراه با اعتقاد به حمایت وفادارانه و مستمر خدا، این امید هم در کار بود که خدا در نهایت - و به روشنی - همچون پادشاه نمایان می‌شود. به طور دقیق، امید به عملی شدن نهایی و انکارناپذیر سلطنت الاهی، از ویژگی‌های فرجام‌شناسی اولیه است (مثل اشعیاء ۷:۵۲). در درون این چشم‌انداز، آخرالزمان موضوعی هراس‌انگیز نیست

1. reigns

2. rules

3. king

4. kingdom



صداقت خود باشد.

«ملکوت خدا» (یا «ملکوت پروردگار») <sup>۱</sup> دقیقاً همان عبارتی است که در اسنادی خاص مربوط به یهودیت اولیه، به منظور ابراز امید به آشکارشدن نهایی خدا به مثابه پادشاه وارد شده است. ترگوم عمدتاً این عبارت را برای فهماندن امیدفرجام‌شناسانه به کار می‌برد (ترگوم اشعیا ۲۴:۲۳؛ ۴:۳۱؛ ۴۰:۹؛ ۵۲:۷). نیایش اولیه (شاید نخستین قرن پیش از میلاد)، که به قدّیش معروف است، نیز به این معنا از ملکوت اشاره می‌کند: «باشد که خدا سیطره ملکوتش را در حیات شما قرار دهد.» بعدها در متون حاخامی، چنان‌که در انجیل متی آمده، به طور سنتی عبارت «ملکوت آسمان‌ها» به کار رفت. جان‌نشین کردن واژه «خدا» (God) یا «پروردگار» (Lord) در معنی تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ واژه «آسمان‌ها» (heavens) ظاهراً نوعی اطناب تفخیم‌گونه باشد. اما در بیشتر متون حاخامی بیشتر مفهومی اخلاقی است نه فرجام‌شناختی؛ زبان [متن] به پذیرش خدا به مثابه پادشاه خویش اشاره دارد (با قرائت آیه شَمَع «Shema») <sup>۲</sup> نه آماده‌ساختن خود برای حاکمیت او.

موعظه [حضرت] عیسی (ع)، بسیار به انتظار فرجام‌شناختی نزدیک‌تر است

تا به تأکیدات اخلاقی [در آثار] حاخامی پس از او. اگرچه در نظر [حضرت] عیسی (ع) ملکوت «نزدیک شده است» (مرقس ۱:۱۵)، یا خود را در دسترس قرار داده است (لوقا ۱۶:۱۶ دارای مشابه)، بخشی از نیایش منظم او این بود که باید در جست‌وجوی آمدن ملکوت بود (متی ۶:۱۰ مشابه). اما باید مراقب بود که در باب متمایزبودن [حضرت] عیسی (ع) به مثابه معلم یا ربّی، و هم‌چنین در باب زمینه کار او در درون یهودیت قضاوتی به حق داشت. [حضرت] عیسی (ع) با سخن گفتن از ملکوت، زبان متن مقدس (به همان شکل که در کنیسه‌ها معمول بود) و نیایش را پذیرفت و آن زبان را به خود اختصاص داد. ملکوت در موعظه او وعده محض نبود بلکه به مثابه فعلی الاهی بود که خواهان توبه بود و از طریق بهره‌جستن از تأثیر خدایی آن می‌شد به آن راه یافت. این دیدگاه نه تنها از طریق توصیف‌های حساب‌شده در تعالیم [حضرت] عیسی (ع)، بلکه از طریق

1. the kingdom of the Lord

۲. این واژه عبری، به معنای «شنو»، نخستین کلمه بند ۴:۶ از سفر تثبیه است که به عنوان اسم برای کل این عبارت به کار می‌رود. متن این فقره چنین است: «شنو ای اسرائیل یهوه خدای ماست، یهوه یگانه است.» - م.

حکایات تمثیلی او ارائه می‌شود. تمثیل‌هایی که مشتمل بر تصویرهایی از رویش یا سیر است (مرقس ۴: ۲۶-۲۹؛ متی ۱۳: ۲۴-۳۰، ۳۱-۳۳ دارای مشابه) به ویژه بر این اصرار دارد که ملکوت نباید به هیچ وضعیت گذرای منحصر به فردی، چه حال و چه آینده، محدود شود. این محدود کردن، ویژگی انفتاح مستمر را، که در غرض از طرح آنها وجود داشته، سلب می‌کند. به این دلیل، آخرالزمانی دانستن ملکوت در [بیان] انتظار [آمیز حضرت] عیسی (ع)، به معنای نوعی گاهشماری پیش‌بینی شده درباره انکشاف خدا، که بتوان در آن برای حکمفرمایی خدا تاریخ معین کرد، گمراه کننده است. اندک بودن ارجاعات به ملکوت در ادبیات آخرالزمانی این رأی را تضعیف می‌کند و بسیاری از تعالیم منسوب به [حضرت] عیسی (ع) مانع آن است (لوقا ۱۷: ۲۰، ۲۱؛ مقایسه کنید با متی ۲۴: ۲۴ دارای مشابه؛ اعمال ۷: ۱، علاوه بر فقراتی که در بالا ذکر شد). در پایان ویژگی دیگری را باید درباره الاهیات ملکوت در سخنان [حضرت] عیسی (ع) ذکر کرد که این هم سخنی بر خلاف تفسیر آخرالزمانی پیام او دارد. تعلیم [حضرت] عیسی (ع) از حیث جهت‌گیری فرجام‌شناختی آن صرفاً

آینده‌گرا نبود؛ او را معلمی اخلاقی هم می‌شناختند (مقایسه کنید با متی ۲۲: ۳۴-۴۰؛ مرقس ۱۲: ۲۸-۳۴؛ لوقا ۱۰: ۲۵-۲۸). بسیاری از تمثیل‌های ایشان نشان می‌دهد که چگونه او، در تصورش از یک ملکوت منحصر به فرد، هم می‌تواند در انتظار آینده باشد و هم خواهان آن در حال حاضر. تمثیل‌های مربوط به رویش یا فرآیند گویای آمادگی مشتاقانه به مثابه طرز تلقی صحیح، درباره نقطه انتها است (مرقس ۴: ۲۹؛ متی ۱۳: ۳۰؛ ۱۳: ۳۲ دارای مشابه؛ ۱۳: ۳۳ دارای مشابه)؛ پادشاه یا مولایی که مردم را به مهمانی دعوت می‌کند، انتظار دارد که دعوت‌شدگان مهیا باشند (متی ۲۲: ۸، ۹، ۱۱، ۱۲؛ لوقا ۱۴: ۲۴؛ مقایسه کنید با متی ۸: ۱۱، ۱۲ دارای مشابه)؛ حتی حاکمان غایب در طی دوره غیبت‌شان اطاعت مشتاقانه مردم تحت سلطه خود را توقع دارند (متی ۲۵: ۱-۱۳؛ ۱۴: ۳۰؛ لوقا ۱۲: ۳۵-۳۸؛ ۱۷: ۷-۱۰؛ ۱۹: ۱۱-۲۷). درون‌مایه‌های اخلاقی‌ای که در چنین تمثیل‌هایی وجود دارد هنگامی معنا دارد که شخص احساس کند که [حضرت] عیسی (ع) از طریق آنها نوعی ملکوت خودنمون را ابلاغ می‌کند که تمرکز آن به طور تحویل‌ناپذیری بر آینده است و اشارات

که در رأس آنان عیسی و جرمن قدیس<sup>۳</sup> قرار دارند. استادان عروج یافته از طریق نمایندگانشان در زمین و پیام‌رسانان<sup>۴</sup> معتبر سخن گفته‌اند که عبارت‌اند از ادنا و گای بلارد و پسرشان به نام داندل.<sup>۵</sup>

اولین دیدار ادعایی گای بلارد با قدیس جرمن، در سال ۱۹۳۰ در کوه شاستا<sup>۶</sup> در شمال کالیفرنیا رخ داد و در کتابش به نام رازهای برملا شده<sup>۷</sup> (۱۹۳۴) آن را شرح داده است. گفته شده که جرمن قدیس در زمین زندگی کرده و

چند بار در صورت اشخاصی چون سموئیل<sup>۸</sup> در عهد عتیق و فرانسیس بیکن<sup>۹</sup> انگلیسی تجسد یافته است. به گفتهٔ بلارد، جرمن قدیس او را در زمان به عقب برد و زندگی‌های پیشین لارد را به او نشان داد (او جورج واشنگتن بوده است) و این چنین بسیاری از رازها برای بلارد آشکار شد و وی دریافت که چگونه استادان عروج یافته از طریق پیام‌رسانان رسمی در زمین عمل می‌کنند.

خانوادهٔ بلارد در سال ۱۹۳۴ اقدام به برگزاری جلساتی در شیکاگو و دیگر

ضمنی آن به جدّ مربوط به زمان حال است. درست همان‌گونه که در مورد دعوی او وضع چنین است، سخن گفتن به سود آن ملکوت شاید واضح‌ترین ریشهٔ مسیح‌شناسی باشد، بنابراین پیام او در ارتباط با آینده و، در نتیجه، در ارتباط با مسئولیت در زمان حاضر، برای حرکتی که پس از او شکل گرفت تلقی خاصی از انتظار را به وجود آورد.

*The Oxford Companion to the Bible*, pp. 408-9.

محمدتقی انصاری پور

### نَهضت «من هستم» I Am Movement

نام نهضتی دینی در ایالات متحده است که ادعا دارد (من قادرم)<sup>۱</sup> منبع نیرو و همهٔ امور ضروری است. این نهضت در سال ۱۹۳۰ به دست یک مهندس معدن به نام گای بلارد (۱۸۷۸-۱۹۳۹) و همسرش ادنا (۱۸۸۶-۱۹۷۱) شروع شد. نام این نهضت از آیه‌ای در کتاب مقدس گرفته شده است: «هستم آن‌که هستم» که پاسخی است که خداوند در سفر خروج (۱۴:۳) به موسی داد.

خانوادهٔ بلارد این عقیده را تعلیم دادند که قدرت I am از طریق بسیاری از استادان عروج یافته<sup>۲</sup> در دسترس برخی از افراد قرار گرفته است.

1. Mighty I am
2. Ascended Masters
3. St. Germain
4. Accredited Messengers
5. Donald
6. Shasta
7. *Unveiled Mysteries*
8. Samuel
9. Franis Bacon

نهضت را رها کنند؛ زیرا خانوادهٔ بلارد تعلیم داده بودند که عروج که همان رهایی همیشگی از جسم مادی و تجسد دوباره است، بدون تجربهٔ مرگ جسمانی واقع می‌شود. ادنا بلارد رهبری نهضت را به دست گرفت و اغلب از جانب همسر سابقش پیام‌ها را گزارش می‌کرد.

در سال ۱۹۴۰ ادنا، دونالد و دیگر رهبران این نهضت به جرم شیادی مورد کیفر خواست قرار گرفتند. ادنا و دونالد در چندین فقره محکوم شدند اما دادگاه عالی آمریکا در سال ۱۹۴۶ این سند محکومیت را در چارچوب قوانین لغو کرد. این نهضت در آغاز تضعیف شد، اما پس از یک دورهٔ احیاگری امروزه حدود سیصد مرکز I AM در سراسر جهان وجود دارد.

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 484

زهره دلفان

شهرهایی نمودند که در آن مکان‌ها، پیغام‌هایی از سوی استادان صعود کرده ابلاغ می‌شد. سخنرانی‌های مذهبی و سبک زندگی بلارد در آغاز این نهضت کاملاً ساده بود اما با دستیابی به توفیقات مالی و پیروان زیاد، این نهضت نیز همچون نهضت‌های دیگر با سخنرانی‌های تشریفاتی و پر زرق و برق توسعه یافت.

خانوادهٔ بلارد به گونه‌ای روزافزون مورد انتقاد قرار گرفتند و از سوی مطبوعات به شیادی متهم شدند در سال ۱۹۳۹ گای بلارد اعلام کرد که او از سوی جرمن قدیس دستور گرفته تا همهٔ سخنرانی‌های عمومی را موقتاً کنار بگذارد. گای بلارد در ۲۹ دسامبر ۱۹۳۹ درگذشت و همسرش جسد او را سوزاند و در اول ژانویهٔ ۱۹۴۰ اعلام کرد که بلارد دیگر یک استاد عروج‌یافته است. با وجود این، اخبار مرگ او موجب شد که بسیاری از پیروان، این

آثار انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب

۱۴۰۰	آیین بودا	۲۰	۹۵۰	کلام مسیحی	۱
۱۰۰۰	ادیان چین و ژاپن	۲۱	۲۱۰۰	گرایشها و مذاهب اسلامی	۲
۲۶۰۰	اسطوره تجسد خدا	۲۲	۱۸۰۰	بی دل در دن	۳
۲۹۰۰	باورها و آیین های یهود	۲۳	۲۶۰۰	سیری در نمود	۴
۲۳۵۰	پلورالیزم دینی	۲۴	۸۰۰	عیسی اسطوره یا تاریخ	۵
۲۳۵۰	تاریخ کلیسای کاتولیک	۲۵	۴۵۰۰	درآمدی به مسیحیت	۶
۲۸۰۰	تاریخ مذاهب اسلامی	۲۶	۲۳۰۰	آیین کاتولیک	۷
۴۳۵۰	تراث الزیدیه	۲۷	۳۰۰۰	شور جاودانگی	۸
۲۷۰۰	چنین گوید او بودا	۲۸	۸۰۰	آینده ادیان	۹
۳۴۵۰	درنامه الهیات مسیحی	۲۹	۱۴۵۰	سکولاریزم در جهان عرب	۱۰
۱۱۶۰	زمینه های بحث فلسفی در ادیان	۳۰	۱۲۰۰	آیین هندو	۱۱
۲۸۵۰	عارفان مسیحی	۳۱	۲۴۰۰	فلسفه در مسیحیت باستان	۱۲
۹۳۰۰	فرهنگ ادیان جهان	۳۲	۴۵۰۰	نهیضت اصلاح دینی	۱۳
۲۳۰۰	متفکران بزرگ مسیحی	۳۳	۳۴۰۰	عدالت کیفری در آیین یهود	۱۴
۱۵۰۰	مسیحیت در جهان امروز	۳۴	۲۷۵۰	فلسفه یهودی در قرون وسطا	۱۵
۳۶۰۰	معجم المصادر الاباضیه	۳۵	۸۰۰	انتظار مسیحا در آیین یهود	۱۶
۵۹۵۰	معرفی مکتبهای فلسفی هند	۳۶	۳۵۰۰	اسماعیلیه	۱۷
۱۱۴۰۰	یهودیت، مسیحیت و اسلام (سه جلدی)	۳۷	۹۲۰	مسیحیت و ادیان جهان	۱۸
		۳۸	۵۴۰۰	کتاب مورمون	۱۹

شماره نشریه	قیمت	هزینه پست سفارشی
۱ الی ۴	به صورت سالنامه ۲۵۰۰ تومان	۲۰۰ تومان
۵ الی ۸	به صورت سالنامه ۲۷۰۰ تومان	۲۰۰ تومان
۹ الی ۱۳	به صورت سالنامه ۲۷۰۰ تومان	۲۰۰ تومان
۱۴ الی ۱۷	به صورت سالنامه ۲۷۰۰ تومان	۲۰۰ تومان
۱۸ الی ۲۰	به صورت سالنامه ۲۷۰۰ تومان	۲۰۰ تومان
۱۴ الی ۲۰	هر جلد ۵۰۰ تومان	(تک شماره) ۲۰۰ تومان
۲۱ الی ۲۴	هر جلد ۷۰۰ تومان	(تک شماره) ۲۰۰ تومان
۲۵ الی ۳۲	هر جلد ۸۰۰ تومان	(تک شماره) ۲۰۰ تومان
۳۳ الی ۳۶	هر جلد ۹۰۰ تومان	(تک شماره) ۲۰۰ تومان

آثار نشرادیان

۱۴۵۰	قوم آریا	۱۳	۲۷۵۰	۱	مسیحیت صهیونیست و بنیادگرایی آمریکا
۷۰۰	روانشناسی دین و معنویت	۱۴	۲۲۰۰	۲	جنبش نقطویه
۸۵۰	سجوقیان	۱۵	۱۰۰۰	۳	خاستگاه فرهنگی نهج البلاغه
۷۵۰	معنای زندگی	۱۶	۱۱۰۰	۴	ریشه‌های مسیحیت در اسناد بحرالْمیت
۱۰۰	قارا مجموعه	۱۷	۲۷۵۰	۵	آفرینش در اساطیر آمریکا
۵۰۰	فرق تسنن	۱۸	۳۷۵۰	۶	ادیان و فلسفه آفریقایی
۰۰	تقریب مذاهب از نظر تا عمل	۱۹	۳۳۵۰	۷	روزگار صفوی
۷۰۰	درسنامه تاریخ عقاید اسماعیلیه	۲۰	۱۳۰۰	۸	فاصله ادیان، فاجعه فلسطین
۵۵۰	درسنامه تاریخ عقاید زیدیه	۲۱	۲۶۰۰	۹	فلسفه زبان دینی
۱۰۰	معجم تاج المعاجم	۲۲	۲۲۰۰	۱۰	زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع
۱۰۰	هستی‌شناسی عرفانی	۲۳	۲۹۰۰	۱۱	تشیع
		۲۴	۲۰۰۰	۱۲	مبلغ، نه پیامبر

لطفاً بهای شماره‌های درخواستی را به شماره حساب ۱۲۵۲۱۷۳/۱۰ جام نزد بانک ملت شعبه بلوار امین به نام انتشارات مرکز ادیان و مذاهب واریز و فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک به صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۱۷۸ و یا به نمابر ۲۶۴۲۷-۲۸۰-۲۵۱ ارسال فرمایید. (هزینه ارسال کتابها به عهده مرکز می‌باشد)

نام مشترک:	تلفن:
نشانی:	
کد پستی:	
مبلغ:	به صورت نقدی <input type="checkbox"/> یا حواله شماره ..... در تاریخ:
	به حساب واریز شد.
اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/>	از شماره ..... تا شماره .....

نمایندگی فروش منشورات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب

مؤسسه پکتا: تهران، خ انقلاب، چهارراه کالج، ابتدای حافظ شمالی، نش کوچه بامشاد شماره ۵۲۵ تلفن ۸۹۲۶۲۷

# 35 Haft Asman

Seven Heavens

A Journal of the Center for  
Religious Studies

Vol. 9, No. 35: Autumn 2007

Editorial: Beyond a Vision

Perspective of Dialogue between Islam and

Christianity in an Interview with Prof. Dr. A. Khoury

and Śaṅkara Darśana (Indian Metaphysics)

Ali Movahhedian Attar

Comparative Study of Islamic and Zoro-  
astrian Eschatology

Mojtabā Aqa'yi

Jesus' Birth and Childhood in two Apocry-  
phal Gospels

A. Soleimani

A Short, Easy, Comprehensive Method of

Interpreting Johannes Kelpius, tr. by Leila Aqa'yani Chāvoshi

Relating to What is Right and Forbidding  
and What is Wrong from the View point of

the Ahl-e-Bayt (azala)

Ali Aqa'jani

Religious and Mystical Ideas of Abū-Nasr Seraj

al-Dīnī

Ehsan Fattahi

Considerations on a Critique

Shahram Pazooki

Encyclopedia of Religion

(from Water, Purim, Kohen Godol, ...)